

بررسی رابطه بین ساختار مالکیت و مسئولیت اجتماعی شرکتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

قدرت‌اله برزگر^۱، وحید اسکو^{۲*}، رضا تاگر^۳

چکیده

در این پژوهش به بررسی رابطه بین ساختار مالکیت و مسئولیت‌های اجتماعی شرکتی پرداخته شده است. دوره زمانی پژوهش از سال ۱۳۸۵ الی ۱۳۹۳ بوده که با توجه به محدودیت‌های اعمال شده تعداد ۹۵ شرکت انتخاب شدند. این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ تجزیه و تحلیل داده‌ها از نوع علی می‌باشد. قبل از آزمون فرضیه‌ها به بررسی مانایی داده‌ها پرداخته شد و نتایج نشان داد که کلیه متغیرهای پژوهش دارای پایایی لازم بودند. با استفاده از آزمون آرچ به بررسی ناهمسانی واریانس مدل‌ها پرداخته و مشخص گردید که کلیه مدل‌ها دارای کارایی لازم برای آزمون فرضیه‌ها هستند. نتایج نشان داد که بین متغیرهای مالکیت نهادی، مالکیت بانکی و مالکیت دولتی با مسئولیت‌های اجتماعی شرکتی رابطه مثبت معناداری وجود دارد و بین متغیر تمرکز مالکیت با مسئولیت‌های اجتماعی شرکتی رابطه معناداری وجود ندارد.

واژه‌های کلیدی: مالکیت نهادی، مالکیت بانکی، تمرکز مالکیت، مالکیت دولتی، مسئولیت‌های اجتماعی شرکتی.

۱. استادیار حسابداری، عضو هیأت علمی دانشگاه مازندران، بابلسر
۲. دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه مازندران و مربی دانشگاه گنبد کاووس، گنبد کاووس
۳. کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه شهید چمران اهواز و کارشناس مالیاتی اداره مالیاتی گنبد کاووس

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۱۱/۱۹

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۴/۷

*نویسنده مسئول: وحید اسکو

vahidoskou@gmail.com

مقدمه

از زمان شروع جنبش وال استریت در آمریکا و سایر کشورهای موجود در اتحادیه اروپا نگرش عمومی بر این است که بخشی عمده‌ای از عوامل ایجادکننده جنبش‌ها و ناراضی‌های مذکور ناشی از بروز بحران‌های اقتصاد جهانی می‌باشد. عده‌ای معتقدند که بخش عمده‌ای از این بحران ناشی از عدم توجه سازمان‌ها به مسئولیت‌های اجتماعی توسط بانک‌ها و مؤسسات اعتباری و سایر مؤسسات و سازمان‌ها در قبال جامعه بوده است. از زمان ایجاد این چالش بین‌المللی، سؤالات متعددی پیرامون اهداف و خواسته‌های این جنبش مطرح شده است. با این وجود هنوز پاسخ مناسبی برای این سؤال وجود ندارد (پترویس، ۲۰۰۶). با این اوصاف، اخیراً صحبت‌هایی توسط دولت‌ها و نهادهای مدنی از مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها به میان آمده است و برخی افراد معتقدند که دلیل اصلی این جنبش‌ها در حقیقت موضوع پرسش از مسئولیت اجتماعی شرکتی است (پریور و دیگران، ۲۰۰۸). مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها از جنبه‌های مختلف توسط سرمایه‌گذاران، تحلیل‌گران، مدیران و محققین مورد توجه قرار گرفته است. امروزه سهامداران خواهان سرمایه‌گذاری در شرکت‌هایی هستند که به گونه‌ای مناسب مسئولیت‌های اجتماعی را انجام می‌دهند. گرانت (۲۰۰۸) ادعا می‌کند که مسئولیت‌های اجتماعی شرکت‌ها نه تنها در شرکت‌های بزرگ انجام می‌شود بلکه امروزه برای بسیاری از شرکت‌ها ضروری به نظر می‌رسد. مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها موضوع جدال قابل توجهی در ایالات متحده در طول این چند دهه بوده است. در یک طرف افرادی قرار دارند که استدلال می‌کنند هدف تجارت کسب سود و افزایش ارزش سهام است و بهبود وضع رفاه و سلامت اجتماع به طور کلی وظیفه عوامل مذهبی، اجتماعی و حکومتی است. مقاله کلاسیک میلتن فریدمن (۱۹۷۰) با عنوان «مسئولیت اجتماعی تجارت فقط افزایش سود است» به روشنی این دیدگاه را تشریح می‌کند و در پاسخ کسانی که مدعی بودند تجارت تا حد زیادی نسبت به امور رفاهی جامعه متعهد است، داده شد. (جلیلی و همکاران، ۱۳۹۳). در طرف دیگر این جدال کسانی هستند که استدلال می‌کنند، که تجارت دارای یک دین اجتماعی، مدنی یا اخلاقی برای انجام فعالیت‌های اجتماعی به منظور بهبود رفاه عمومی به وسیله منافعش است. طرفداران این دیدگاه منکر اهمیت سود برای تجار نیستند با این وجود معتقدند که باید شرکت‌ها نقش اجتماعی وسیعی در ایجاد رفاه عمومی از طریق تأثیرگذاری روی برنامه‌های اجتماعی داشته باشند. (هانگ و دیگران، ۲۰۱۱).

حاکمیت شرکتی به عنوان یکی از موضوعات مهم نظام مالی از دهه ۱۹۹۰ در انگلستان، آمریکا و کانادا در پاسخ به مشکلات ناشی از عدم اثربخشی هیأت مدیره در عملکرد شرکت‌های بزرگ مطرح شد. حاکمیت شرکتی را مجموعه روابط میان هیأت مدیره، مدیر، سهامداران و کلیه

ذی‌نفعان (از جمله کارکنان) تعریف کرده‌اند که تأمین‌کننده منافع کلیه اشخاص ذی‌نفع باشد. بررسی ادبیات موجود نشان می‌دهد که هیچ تعریف مورد توافقی در مورد حاکمیت شرکتی وجود ندارد. تعاریف موجود از حاکمیت شرکتی در یک طیف وسیع قرار می‌گیرند. در یک تعریف محدود، این الگویی قدیمی است که در قالب نظریه نمایندگی ارائه می‌شود. در تعریفی دیگر، حاکمیت شرکتی را می‌توان به صورت شبکه‌ای از روابط در نظر گرفت که نه تنها میان شرکت‌ها و مالکان آن‌ها (سهامداران) بلکه میان شرکت و تعداد زیادی از ذی‌نفعان از جمله کارکنان، مشتریان، فروشندگان و دارندگان اوراق قرضه وجود دارد. چنین دیدگاهی در قالب نظریه ذی‌نفعان دیده می‌شود (حساس‌یگانه، ۱۳۸۵). تعریف محدود حاکمیت شرکتی متمرکز بر قابلیت‌های سیستم قانونی یک کشور برای حفظ حقوق سهامداران اقلیت است (پارکینسون، ۱۹۹۵). با این حال، تعریف وسیع‌تر نشان می‌دهد که شرکت‌ها در برابر کل جامعه، نسل‌های آینده و منابع طبیعی مسئولیت دارند. در این دیدگاه، سیستم حاکمیت شرکتی موانع و اهرم‌های تعادل درون‌سازمانی و برون‌سازمانی برای شرکت‌هاست که انجام مسئولیت خود را نسبت به تمام ذی‌نفعان تضمین می‌کند و در تمام زمینه‌های فعالیت تجاری، به صورت مسئولانه عمل می‌کنند. استدلال منطقی در این دیدگاه آن است که منافع سهامداران را فقط می‌توان با در نظر گرفتن منافع ذی‌نفعان برآورده کرد. بنابراین با عنایت به این تعاریف می‌توان گفت نظام حاکمیت شرکتی یک ابزار نظارتی است که در بنگاه‌های اقتصادی، خصوصاً مؤسسات مالی، به منظور نظارت بر فعالیت‌ها و در جهت دستیابی به اهدافی نظیر پاسخگویی، شفافیت، عدالت و رعایت حقوق ذی‌نفعان به کار می‌رود.

جدایی مدیریت از مالکیت و به وجود آمدن تضاد منافع میان مدیران و مالکان منجر به شکل‌گیری مشکلات نمایندگی میان این دو گروه شد، در صورتی که ساختار مالکیت را از جنبه سهامداران درونی (مالکان نهادی، بانکی، دولتی) و بیرونی (تمرکز یا عدم تمرکز مالکان) تقسیم‌بندی نماییم این دو گروه از سهامداران به دلیل ویژگی‌هایی که دارند، می‌توانند بر امور شرکت تأثیرگذار باشند و می‌تواند تعیین‌کننده میزان مشکلات نمایندگی میان سهامداران باشند. از سویی دیگر مسئولیت‌پذیری اجتماعی به کاهش توزیع نامتقارن اطلاعات در میان اشخاص درونی و بیرونی سازمان و همچنین کاهش نزاع بین گروه‌های مختلف و مشکلات نمایندگی کمک می‌نماید. لذا پژوهش حاضر درصدد است به این سؤال پاسخ دهد که آیا در بازار سرمایه ایران بین ساختار سرمایه و مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها رابطه‌ای وجود دارد؟ به عبارت دیگر، هدف اصلی پژوهش حاضر این است که رابطه ساختار مالکیت بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها را بسنجد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مسئولیت اجتماعی شرکتی و ساختار مالکیت

با توجه به فروپاشی و رسوایی مالی برخی شرکت‌ها از جمله انرون در اوایل قرن ۲۱، بحث در خصوص جایگاه مسؤلیت اجتماعی شرکت‌ها در اقتصاد جهانی و خصوصاً شرکت‌های بین‌المللی برای بهبود شرایط محیطی و اجتماعی افزایش یافته است. واژه مسؤلیت اجتماعی شرکت‌ها به ظهور یک جنبش اشاره دارد که به دنبال وارد کردن فاکتورهای محیطی و اجتماعی در تصمیمات تجاری شرکت‌ها، استراتژی تجاری و حسابداری با هدف افزایش عملکرد اجتماعی و محیطی در کنار ابعاد اقتصادی است به گونه‌ای که برای واحد تجاری، جامعه و محیط مفید و سودمند باشد (حساس‌یگانه و برزگر، ۱۳۹۲). معمولی‌ترین مفهوم افشاء مسؤلیت اجتماعی توسط کارول (۱۹۹۱) بیان شد. کارول بین چهار نوع از مسؤلیت‌پذیری اقتصادی (شغل، دستمزد و خدمات) مسؤلیت‌پذیری قانونی (رعایت قوانین و ایفای نقش در رعایت قوانین بازی) مسؤلیت‌پذیری اخلاق (اخلاقی بودن و انجام آنچه صحیح، درست و عادلانه است) مسؤلیت‌پذیری انسان دوستانه (کمک‌های اختیاری بشردوستانه) فرق قائل شد. کمیته توسعه پایدار تجارت جهانی افشاء مسؤلیت اجتماعی را به عنوان تعهد شرکت‌ها به مشارکت در بهبود توسعه اقتصاد پایدار و کارکنان و خانواده آن‌ها و جامعه تعریف می‌کند. به طور کلی سه رویکرد در مورد مفهوم مسؤلیت‌های اجتماعی شرکت‌ها وجود دارد: دیدگاه کلاسیک، دیدگاه مسؤلیت‌پذیری و دیدگاه عمومی (حساس‌یگانه و برزگر، ۱۳۹۳).

لازم به ذکر است که ارتباط بین سهامداران و مدیران شرکت مملو از تضاد منافی است که از جدایی مالکیت و کنترل، تفاوت اهداف سهامداران و مدیران و عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سهامداران ناشی می‌شود (دی، ۲۰۰۸). این تضاد منافع به وسیله تئوری نمایندگی بیان می‌گردد (جنسن و مک‌لینگ، ۱۹۷۶). از آنجاکه برخی مالکان، با توجه به میزان مالکیتشان، بر شرکت تحت مالکیتشان کنترل مؤثری دارند، ساختار مالکیت (ویژگی‌های مالکان و میزان مالکیتشان) یک عنصر بالقوه مهم در حاکمیت شرکتی است. در صورتی که ساختار مالکیت را از جنبه سهامداران درونی و بیرونی تقسیم‌بندی نماییم، سهام در اختیار مالکان نهادی، بانکی و دولتی از جمله مالکیت بیرونی شرکت‌ها تلقی می‌رود. این سه گروه از سهامداران به دلیل ویژگی‌هایی که دارند، می‌توانند بر امور شرکت تأثیرگذار باشند. همچنین تمرکز یا عدم تمرکز مالکان نیز به عنوان یکی از ویژگی‌های مالکیت، می‌تواند تعیین‌کننده میزان مشکلات نمایندگی میان سهامداران خرد و عمده باشد (ملکیان و همکاران، ۱۳۹۵). از آنجایی که مسؤلیت‌پذیری اجتماعی به کاهش توزیع نامتقارن اطلاعات در میان اشخاص درونی و بیرونی سازمان کمک

می‌کند و منجر به کاهش نزاع بین گروه‌های مختلف و مشکلات نمایندگی می‌گردد. هدف اصلی پژوهش حاضر این است که رابطه مالکیت نهادی، بانکی، دولتی و همچنین تمرکز آن‌ها را بر افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها بسنجد.

مسئولیت اجتماعی شرکتی و مالکیت نهادی

مالکیت نهادی مطابق با نظریه ریسک‌گریزی، سرمایه‌گذاران منطقی‌ای هستند که با در نظر گرفتن ریسک و بازده مربوط به هر سرمایه‌گذاری مطرح، به دنبال سرمایه‌گذاری کارآمد می‌گردند؛ بنابراین، ممکن است به برنامه‌ها و اقدامات اجتماعی شرکت‌ها به عنوان ابزاری برای کاهش ریسک بالقوه بنگرند (وهاب، ۲۰۱۰). این امر به احتمال قوی زمانی روی می‌دهد که کسب اعتبار در فعالیتهای اجتماعی و زیست‌محیطی باعث کاهش نوسانات قیمت سهام شود (پیترسن و ریڈنبرگ، ۲۰۰۹). بنابراین بر طبق این نظریه، تأثیر مسئولیت اجتماعی بر مالکیت مؤسسه مثبت خواهد بود. به عبارتی دیگر، شرکت‌هایی که بیش‌تر بر روی کسب اعتبار اجتماعی خود سرمایه‌گذاری می‌کنند قادر به جذب مالکیت نهادی بیش‌تری خواهند بود (وهاب و الساید، ۲۰۱۵). برعکس، بر طبق نظریه مؤسسات کوتاه‌بین، مالکیت نهادی، به عنوان سرمایه‌گذاران کوتاه‌بینی در نظر گرفته می‌شوند که فقط به بازده کوتاه‌مدت توجه داشته و مدیران این‌گونه مؤسسات بر اساس بازده کوتاه‌مدت خود مورد سنجش قرار گرفته و تشویق می‌شوند. از آنجایی که سرمایه‌گذاری در این‌گونه برنامه‌ها و فعالیت‌ها، یک تصمیم بلندمدت است که نیاز به زمان دارد تا به صرفه‌جویی در هزینه دست یابد، سازمان‌هایی که بر روی مسئولیت اجتماعی سرمایه‌گذاری می‌کنند، قادر به جذب سرمایه مالکیت نهادی نخواهند بود. بر همین اساس، این ادعا نشان می‌دهد که مسئولیت اجتماعی سازمان تأثیر منفی بر مالکیت نهادی دارد (وهاب، ۲۰۱۰). در مطالعات تجربی که به بررسی رابطه بین مسئولیت اجتماعی سازمان و مالکیت نهادی پرداخته است نیز نشان‌دهنده یافته‌های متضاد است. برای مثال، تئو و شیپو (۱۹۹۰) نشان دادند که اطلاعات مربوط به مسئولیت اجتماعی سازمان در گزارشات شرکت هیچ تأثیری بر تصمیم‌گیری‌های مالکیت نهادی ندارد. کوفی و فریکسل (۱۹۹۱) نتوانستند الگوی روشنی در این رابطه پیدا کنند، ماهونی و رابرتز (۲۰۰۷) و صالح و همکاران (۲۰۱۰) دریافتند که شرکت‌ها می‌توانند با انجام برنامه‌ها و فعالیتهای اجتماعی، مالکیت نهادی را جذب و حفظ نمایند.

مسئولیت اجتماعی شرکتی و مالکیت بانکی

سیستم حاکمیت شرکتی را می‌توان بانک محور یا بازار محور نامید. در یک سیستم بانک محور، بانک‌ها نقش کلیدی در تأمین مالی شرکت‌ها و اعمال نظارت بر آن‌ها ایفا می‌کنند. در این کشورها بانک‌ها صرفاً نهادی برای جمع‌آوری و انباشت وجوه نیستند، بلکه در تجهیز و تخصیص منابع، نظارت بر شرکت‌ها و ارائه خدمات نقدینگی و مدیریت ریسک نقش حیاتی ایفا می‌کنند. این کارکرد اساسی بانک‌ها بر مقررات حاکمیت شرکتی در کشورهای یادشده مؤثر است. در آلمان، قانون کروم (۲۰۰۲) امکان اینکه نمایندگان بانک در هیأت نظارت شرکت‌های آلمانی عضو باشند را فراهم کرده است. بانک‌های آلمانی می‌توانند از طرف بسیاری از سرمایه‌گذاران کوچک و به وکالت از آن‌ها رأی دهند؛ بنابراین نقش اساسی در نظارت بر مدیریت شرکت و حمایت از سهامداران اقلیت دارند. در اقتصادهای بازار محور، قدرت بانک‌ها به اندازه کشورهای بانک محور نیست؛ ضمن این‌که بانک‌ها بخشی از ساختار شرکت نمی‌باشند. در این سیستم‌ها یک بازار سرمایه مؤثر و کارا نقشی حیاتی در نظارت بر مدیریت شرکت دارد. به عنوان مثال عملکرد نظارتی بازار سرمایه در آمریکا طبق قانون سارینز اکسلی (۲۰۰۲) با الزام به بازرسی و بازبینی منظم کمیسیون بورس اوراق بهادار شرکت‌های سهامی عام توسط کمیسیون بورس اوراق بهادار (SEC) صورت می‌گیرد. به علاوه کمیسیون بورس اوراق بهادار باید مقررات لازم را برای حصول اطمینان از اینکه یکی از اعضای کمیته حسابرسی، متخصص مالی است، وضع و الزام نماید (حسن‌زاده و علیزاده، ۱۳۹۰).

مسئولیت اجتماعی شرکتی و تمرکز مالکیت

از آن جایی که تمرکز مالکیت، به عنوان یک تعیین‌کننده بااهمیت سازوکار حاکمیت شرکتی است، به نظر می‌رسد هویت مالکان کنترل‌کننده نقش اساسی در رابطه با مالکیت - عملکرد داشته باشد. در شرکت‌های سهامی عام ساختار مالکیت می‌تواند پراکنده (وجود تعداد زیادی از سهامداران کوچک) یا متمرکز (وجود تعداد کمی از سهامداران عمده) باشد. زمانی که مالکیت در دست سهامداران عمده است، سیستم کنترل متمرکز و زمانی که مالکیت توزیع شده باشد، سیستم کنترل نامتمرکز خواهد بود. نتایج پژوهش مهدوی و حیدری (۱۳۸۴) نشان می‌دهد که تمرکز مالکیت در بازار اوراق بهادار تهران در سال ۱۳۸۴ بسیار بالا بوده و سهم ۵ سهامدار عمده در شرکت‌های فعال در بازار بورس اوراق بهادار تهران به طور متوسط ۷۴٪ و سهم ۱۰ سهامدار بزرگ بیش از ۷۹٪ و سهم ۲۰ سهامدار به طور متوسط ۸۲٪ بوده است. بر اساس شاخص هرفیندال (شاخص تمرکز مالکیت)، صنعت ساخت ماشین‌آلات و بر اساس سه شاخص دیگر

(سه‌م ۵، ۱۰ و ۲۰ سهامدار عمده) صنعت استخراج معدن، بیش‌ترین مقدار تمرکز مالکیت را داشتند. آن‌ها معتقدند مقایسه شاخص‌های تمرکز مالکیت در بازار ایران و پنج کشور آمریکا، ژاپن، آلمان، چین و چک نشان‌دهنده آن است که؛ بازار سهام ایران ساختار مالکیتی بسیار متمرکز دارد. علاوه بر این، نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که در ایران نیز مثل کشور چک، تمرکز بیش‌تر مالکیت با کارایی بیش‌تر همراه بوده است. با این حال مطالعاتی که در ارتباط با تمرکز مالکیت و مسئولیت اجتماعی انجام گرفت، اغلب به نتایج متضادی منتج شده است. با این حال مطالعاتی که در ایالات متحده و چند کشور توسعه‌یافته دیگر در این خصوص انجام گرفت، اغلب به نتایج متضادی منتج شده است (محمدی و همکاران، ۱۳۸۸). نتایج پژوهش غزالی و ویتمن (۲۰۰۶) نشان‌دهنده عدم ارتباط معنادار بین تمرکز مالکیت و افشا اختیاری می‌باشد اما پژوهش چو و گری (۲۰۰۲) نشان‌دهنده رابطه مثبت بین تمرکز مالکیت و افشا اختیاری می‌باشد. نبود یا وجود ارتباط به مالکیت عمده در تعیین این موضوع که شرکت تا چه اندازه باید مسئولیت اجتماعی را انجام دهد بستگی دارد. زیرا که آن‌ها در مقایسه با سهامدار جزء دارای قدرت بیش‌تری هستند.

مسئولیت اجتماعی شرکتی و مالکیت دولتی

مالکیت دولتی به سرمایه‌گذاری در سهام توسط مؤسسات دولتی اطلاق می‌شود. در اکثر کشورها، دولت صراحتاً قصد دارد کیفیت شرایط محیطی و اجتماعی را بهبود بخشد (OECD، ۲۰۱۰). اما این تنها مؤلفی نیست که آن‌ها بر عهده‌دارند. استخدام، رشد، حقوق، توسعه‌ای منطقه‌ای، آموزش، بهداشت و مراقبت‌های اجتماعی هم مهم هستند. اهداف در این حوزه‌ها می‌تواند با اهداف CSR هم‌راستا شود اما می‌تواند دارای تضادهای نیز باشد. برای مثال به نظر می‌رسد بهداشت و مراقبت‌های اجتماعی با رشد CSR هم‌راستا باشد اما می‌تواند در مواقعی که قصد دولت بر پایین نگه‌داشتن سطح بیکاری در مناطق یا صنایع خاص باشد در تضاد باشد. روش‌هایی که چنین دولت‌هایی جهت نیل به اهداف سیاسی‌شان از آن بهره می‌برند در بسیاری از موارد باهم متفاوت است. یکی از ابزارها می‌تواند سرمایه‌گذاری مستقیم باشد. بسیاری از دولت‌ها دارای شرکت هستند و در سهام شرکت‌های مورد نظر مشارکت می‌کنند. آن‌ها می‌توانند در یک شرکت بخصوص به خاطر ارزش سیاسی یا استراتژی‌شان برای مثال هواپیمای مسافربری، انرژی یا سلاح‌ها، یا به منظور حمایت از مناطق ویژه‌ای سرمایه‌گذاری کنند (هریس و وینز، ۱۹۸۰). همچنین دولت‌ها تمایل دارند تا مالک سهام شرکت‌ها و صنایعی باشند که معمولاً از جمله رقابت‌آمیزترین شرکت نیستند (دینگ و همکاران، ۲۰۰۷). علاوه بر آن، شرکت‌های تحت تملک

دولت می‌توانند از مالکیت به منظور تحقق اهداف سیاسی‌شان استفاده کنند (شن و لین، ۲۰۰۹). ممکن است شرکت‌ها سعی کنند مسئولیت اجتماعی شرکتی را از طریق پرتفوی سرمایه‌گذاری هم بهبود دهند (OECD، ۲۰۱۰). اما تاکنون شواهد تجربی کمی در این زمینه وجود دارد. با توجه به این که ما از سیاست‌های هیچ دولتی که به CSR ضربه می‌زند آگاهی نداریم، انتظار داریم که دولت‌ها در شرکت‌های با CSR نسبتاً خوب سرمایه‌گذاری کنند.

پیشینه پژوهش

اسا و زهاری (۲۰۱۶) پژوهشی را با عنوان "مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی: ساختار سرمایه، خصوصیات هیأت مدیره و نقش میانجی پاداش هیأت مدیره" انجام دادند. آن‌ها در این پژوهش ۱۰۰ شرکت در کشور مالزی را انتخاب نمودند. آزمون رگرسیون چندگانه نشان داد که افزایش پاداش هیأت مدیره به عنوان متغیر میانجی با مسئولیت اجتماعی شرکت رابطه معناداری دارد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد شرکت‌های که اقدام به افشا پاداش هیأت مدیره می‌نمایند دارای آگاهی بیشتری برای افشا CSR در گزارش‌های سالانه خود برخوردارند. این یافته‌ها برای شرکت‌ها به منظور شناسایی جنبه‌های حاکمیت شرکتی که به منظور افشا CSR حیاتی است مفید می‌باشد.

هوجی و همکاران (۲۰۱۶) پژوهشی را با عنوان مسئولیت اجتماعی شرکتی و نظام راهبری سایر گروه‌های ذینفع در اطراف جهان انجام دادند. آن‌ها در این مقاله به بررسی اثر حاکمیت سایر گروه‌های ذی‌نفعان بر CSR به منظور تعیین این که آیا CSR به عنوان مکانیزمی برای کاهش تضاد منافع میان مدیران و سهامداران مختلف به کار می‌رود و یا به عنوان حق ویژه مدیریت استفاده می‌گردد. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که نفوذ سایر گروه‌های ذی‌نفعان در زمانی که حمایت سرمایه‌گذار و هیأت مدیره ضعیف می‌باشد بر CSR قوی‌تر می‌باشد.

وهاب و الساید (۲۰۱۵) پژوهشی را با عنوان اثر عملکرد مالی بر روابط بین مسئولیت اجتماعی و ساختار مالکیت در دوره زمانی ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۰ در مصر انجام دادند. نتایج پژوهش نشان داد که عملکرد مالی بهتر یا بدتر و مسئولیت اجتماعی بیش‌تر راهنمای سرمایه‌گذاران در تصمیم‌گیری‌هایشان خواهد بود.

سعدیا مجید و همکاران (۲۰۱۵) پژوهشی را با عنوان تأثیر عناصر حاکمیت شرکتی بر مسئولیت اجتماعی شرکتی در کشور پاکستان انجام دادند. دوره زمانی پژوهش از سال ۲۰۰۷ الی ۲۰۱۱ بود. نتایج آزمون نشان داد، متغیرهای اندازه هیأت مدیره، مالکیت نهادی، تمرکز مالکیت و

اندازه شرکت با مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی رابطه معنادار مثبت داشته‌اند و بین متغیر حضور زنان در هیأت مدیره با مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی رابطه منفی وجود داشته است. واتسون (۲۰۱۴) پژوهشی را با عنوان مسئولیت اجتماعی، اجتناب مالیاتی، عملکرد سود انجام داد. نمونه انتخابی واتسون شامل ۱۹۲۹ شرکت در دوره زمانی ۲۰۰۳ الی ۲۰۰۹ بود. او مسئولیت اجتماعی را با عنوان متغیر مستقل و اجتناب مالیاتی را با عنوان متغیر وابسته و سود قبل از مالیات را با عنوان متغیر تعدیل‌گر در نظر گرفت. نتایج پژوهش وی نشان داد، شرکت‌هایی که عملکرد سود جاری یا آتی آن‌ها پایین است و مسئولیت اجتماعی کم‌تری دارند، اجتناب مالیاتی آن‌ها بیش‌تر است.

دام و اسپولتن (۲۰۱۲) به بررسی تأثیر نوع مالکیت بر مسئولیت‌های اجتماعی شرکتی پرداختند. پژوهش آنان بر روی ۶۰۰ شرکت اروپایی در ۱۶ کشور و ۳۵ صنعت انجام شد. نتایج تحقیق آنان نشان داد که مالکیت توسط پرسنل، تمرکز مالکیت، مالکیت نهادی و مالکیت دولتی بر مسئولیت‌های اجتماعی شرکتی تأثیر معناداری دارند.

کیم و همکاران (۲۰۱۲) به بررسی رابطه بین کیفیت سود و افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها پرداختند. به منظور بررسی کیفیت سود از معیارهای اقلام تعهدی اختیاری و مدیریت سود با استفاده از فعالیت‌های واقعی پرداختند. معیارهای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها شامل مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی، انجمن، تنوع، روابط کارمندان، محیط و حقوق انسانی پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها منجر به بهبود کیفیت سود شرکت‌ها خواهد شد.

ون و همکاران (۲۰۱۱) پژوهشی با عنوان تأثیر ساختار مالکیت بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی در شرکت‌های کره انجام دادند. تعداد ۱۱۸ شرکت در دوره زمانی ۲۰۰۶ الی ۲۰۱۰ انتخاب گردید. نتایج آزمون نشان داد، متغیرهای مالکیت نهادی، مالکیت خارجی و مالکیت مدیریتی با مسئولیت‌پذیری اجتماعی رابطه معنادار مثبت داشته‌اند.

هانگ و اندرسون (۲۰۱۱) در پژوهشی به بررسی رابطه بین مسئولیت اجتماعی شرکتی و مدیریت سود پرداختند. دوره زمانی پژوهش از سال ۱۹۹۵ الی ۲۰۰۵ بود. آنان در این پژوهش به بررسی دو فرضیه پرداختند. در فرضیه اول به بررسی ارتباط بین مدیریت سود و مسئولیت‌های اجتماعی شرکت‌ها و در فرضیه دوم به بررسی ارتباط بین کیفیت اقلام تعهدی و مسئولیت‌های اجتماعی شرکت‌ها پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که شرکت‌هایی که دارای مسئولیت‌های اجتماعی هستند دارای اقلام تعهدی با کیفیت بالاتر بوده و دارای فرصت‌های کم‌تری برای مدیریت سود هستند.

هازویان و طاها (۲۰۰۹) به بررسی رابطه بین CSR و شاخص‌های حاکمیت شرکتی شامل اندازه هیأت مدیره، استقلال هیأت مدیره، کمیته حسابرسی، تمرکز مالکیت و مالکیت مدیریتی در شرکت‌های بورسی مالزی پرداخت. از میان معیارهای مختلف حاکمیت شرکتی، تنها یک متغیر یعنی کمیته حسابرسی با CSR رابطه مستقیم معنادار نشان داد.

نازلی و غزالی (۲۰۰۷) در پژوهشی به بررسی رابطه بین ساختار مالکیت و مسئولیت‌پذیری اجتماعی در شرکت‌های مالزی پرداختند. نتایج پژوهش با استفاده از داده‌های پانل نشان داد، تمرکز مالکیت و مالکیت مدیریتی با مسئولیت‌پذیری اجتماعی رابطه منفی معنادار و بین مالکیت دولتی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی رابطه مثبت معناداری مشاهده شد.

فازی و همکاران (۲۰۰۷) با بررسی شرکت‌های اندونزیایی دریافتند که مالکان نهادی بر عملکرد اجتماعی شرکت‌ها تأثیر معناداری ندارد.

مجتهدزاده و طبقیان (۱۳۹۰) نقش مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در کاهش فقر را مورد بررسی قرار دادند. نتایج آزمون‌های آن‌ها نشان داد که شرکت‌ها مایل به به‌کارگیری این مسئولیت‌ها می‌باشند. همچنین تفاوت قابل‌توجهی در درک افراد به لحاظ جنسیت، سن، تحصیلات، طبقه و سابقه شغلی و درآمد وجود نداشت. به‌علاوه ایجاد انگیزه‌هایی مانند تخفیفات مالیاتی، تأمین اعتبار آسان و ارزان و ایجاد تعادل در قوانین می‌تواند نقش مؤثری در به‌کارگیری مسئولیت‌های اجتماعی کاهش‌دهنده فقر داشته باشد.

بهارمقدم و همکاران (۱۳۹۲) به بررسی رابطه مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۸۹ پرداختند. متغیرهای حاکمیت شرکتی مورد بررسی در پژوهش ایشان تمرکز مالکان، مدیران غیرموظف و دوگانگی نقش مدیر عامل بودند. نتایج پژوهش ایشان نشان می‌دهد که به‌جز دوگانگی نقش مدیر عامل سایر متغیرها رابطه مثبت معناداری با افشای مسئولیت اجتماعی دارند.

پورعلی و همکاران (۱۳۹۳) به بررسی رابطه بین افشای مسئولیت اجتماعی و مالکیت نهادی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند و نتایج نشان می‌دهد درصد استفاده شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از رابطه معنادار منفی بین افشای مسئولیت اجتماعی، میزان افشای اطلاعات مربوط به روابط کارکنان، تولید و محیط‌زیست با مالکیت نهادی می‌باشد. این در حالی است که بین میزان افشای اطلاعات مربوط به مشارکت اجتماعی با مالکیت نهادی رابطه معناداری وجود ندارد.

حساس‌یگانه و برزگر (۱۳۹۳) پژوهشی با عنوان مبانی نظری مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و پارادایم تحقیقاتی آن در حرفه حسابداری انجام دادند. آن‌ها در این پژوهش به تشریح فرآیند

تکاملی، تعاریف و ابعاد نسل‌های مسئولیت اجتماعی و پایداری شرکت‌ها در حوزه گزارشگری و افشاء پرداختند و رویکردها و نظریه‌های مختلف موجود همراه با مدل‌های مفهومی حاکم بر ادبیات مسئولیت اجتماعی مطرح نمودند.

حساس‌یگانه و برزگر (۱۳۹۴) پژوهشی با عنوان مدلی برای افشاء مسئولیت‌پذیری اجتماعی و پایداری شرکت‌ها و وضعیت موجود آن در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران انجام دادند. نتایج حاصل از پژوهش بیانگر معناداری و تبیین و توجیه مناسب کلیه مؤلفه‌ها و شاخص‌ها برای افشاء ابعاد مسئولیت اجتماعی شرکت‌هاست. در این پژوهش به طور متوسط حدود ۴۵ شاخص یعنی ۷۵٪ آن‌ها در گزارشات سالانه فعالیت هیأت مدیره شرکت‌های بورسی افشاء نمی‌گردد. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که تدوین استانداردهای مناسب برای گزارشگری و افشاء این شاخص‌ها در گزارشات سالانه شرکت‌ها برای پاسخگویی به انتظارات ذی‌نفعان در بازار سرمایه ایران ضروری می‌باشد.

ملکیان و دیگران (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان مطالعه رابطه بین مالکیت دولتی و نهادی با مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها (شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران) انجام دادند. به منظور اندازه‌گیری شاخص مسئولیت‌پذیری اجتماعی آنان از روش پرسشنامه‌ای استفاده کرده‌اند. نتایج حاصل از پژوهش بیانگر آن بود که مالکیت دولتی رابطه مثبت معناداری با مسئولیت‌پذیری اجتماعی دارد. همچنین تمرکز مالکیت دولتی نقش مثبتی در افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها ایفا می‌کند. همچنین نتایج پژوهش نشان داد که مالکیت نهادی و تمرکز مالکیت نهادی رابطه معناداری با مسئولیت اجتماعی ندارند.

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول: وجود مالکیت نهادی رابطه مثبت معناداری با مسئولیت‌های اجتماعی شرکتی دارد.

فرضیه دوم: وجود مالکیت بانکی رابطه مثبت معناداری با مسئولیت‌های اجتماعی شرکتی دارد.

فرضیه سوم: تمرکز مالکیت رابطه مثبت معناداری با مسئولیت‌های اجتماعی شرکتی دارد.

فرضیه چهارم: وجود مالکیت دولتی رابطه مثبت معناداری با مسئولیت‌های اجتماعی شرکتی دارد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف جنبه کاربردی داشته و بدان علت که داده‌های پژوهش متعلق به دوره‌های گذشته و بدون دخالت محقق گردآوری شده است، در گروه تحقیقات پس رویدادی و

Environment (محیط‌زیست)، داشتن گواهینامه ISO14000، یکی از مهم‌ترین مسائل امروزه با توجه به پیدایش و جدی گرفتن آلودگی‌ها از سوی سازمان‌های محیط‌زیست داخلی و بین‌المللی در این پژوهش از معیار رعایت استانداردهای زیست‌محیطی در قالب گواهینامه استاندارد زیست‌محیطی ISO14000، محصولات و خدمات مفید، بازیافت ضایعات، سیستم‌های مدیریتی، انرژی پاک، پیشگیری از آلودگی و سایر استفاده شده است که این متغیرها متغیری اسمی می‌باشند بدین صورت که با مراجعه به یادداشتهای پیوست و گزارش هیأت مدیره به مجمع عمومی صاحبان سهام، اگر شرکت در این زمینه فعالیت‌هایی داشته باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر می‌گیرد. متغیر مذکور شامل چندین زیرمجموعه به شرح جدول ۲ می‌باشد.

جدول ۲: مؤلفه‌های بعد محیط زیست مسئولیت‌های اجتماعی شرکت‌ها

شاخص‌ها						
محصولات و خدمات مفید	پیشگیری از آلودگی	بازیافت ضایعات	انرژی پاک	سیستم‌های مدیریتی	سایر	جمع نمرات شاخص‌های محیط‌زیست
۰ یا ۱	۰ یا ۱	۰ یا ۱	۰ یا ۱	۰ یا ۱	۰ یا ۱	۰ یا ۱

Product، امروزه و با رقابتی شدن بازارها، شرکت‌ها سعی داشته تا با تولید محصولات باکیفیت مشتریان خود را حفظ و مشتریان شرکت‌های دیگر را نیز جذب کنند در این پژوهش برای اندازه‌گیری کیفیت محصول و رعایت حقوق مصرف‌کنندگان در چهارچوب مسئولیت‌های اجتماعی شرکتی از شاخص‌های همچون کیفیت (داشتن گواهی‌نامه ISO9001، نوآوری در محصول، کمک به اقتصاد ضعیف و سایر) استفاده شده است که در جدول ۳ مشاهده می‌کنید، بدین صورت که با مراجعه به یادداشتهای پیوست و گزارش هیأت مدیره به مجمع عمومی صاحبان سهام، اگر شرکت در این زمینه فعالیت‌هایی داشته باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر می‌گیرد. این متغیر معمولاً در گزارش هیأت مدیره تحت عنوان مسئولیت‌های اجتماعی شرکتی افشا می‌شود.

جدول ۳: مؤلفه‌های بعد محیط زیست مسئولیت‌های اجتماعی شرکت‌ها

شاخص‌ها				
کیفیت	نوآوری	کمک به اقتصاد ضعیف	سایر	جمع نمرات شاخص‌های محصول
۰ یا ۱	۰ یا ۱	۰ یا ۱	۰ یا ۱	۰ یا ۱

Employee روابط با کارکنان، در شرکت‌های امروزی یکی از مهم‌ترین دارایی‌های شرکت‌ها کارکنان محسوب می‌شوند از این رو لازم است تا شرکت‌ها در این زمینه فعالیت‌هایی را داشته باشند معیارهای مسئولیت‌های اجتماعی در این پژوهش در این رابطه شامل روابط اتحادیه، اشتراک در سود نقدی، بهداشت و ایمنی، مشارکت کارکنان، مزایای بازنشستگی و سایر می‌باشند که در جدول ۴ قابل مشاهده هستند این متغیرها متغیری اسمی می‌باشند بدین صورت که با مراجعه به یادداشت‌های پیوست و گزارش هیأت مدیره به مجمع عمومی صاحبان سهام، اگر شرکت در این زمینه فعالیت‌هایی داشته باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر می‌گیرد.

جدول ۴: مؤلفه‌های بعد روابط کارکنان مسئولیت‌های اجتماعی شرکت‌ها

شاخص‌ها						
روابط اتحادیه	اشتراک در سود نقدی	مشارکت کارکنان	بهداشت و ایمنی	مزایای بازنشستگی	سایر	جمع نمرات شاخص‌های کارکنان
۰ یا ۱	۰ یا ۱	۰ یا ۱	۰ یا ۱	۰ یا ۱	۰ یا ۱	

در انتها میانگین نمرات مسئولیت اجتماعی به شرح جدول ۵ مورد محاسبه قرار می‌گیرد:

جدول ۵: میانگین نمرات مسئولیت اجتماعی

ستون ۱	ستون ۲	ستون ۱ تقسیم بر ستون ۲
جمع تمامی مؤلفه‌های مسئولیت اجتماعی	تعداد مؤلفه	میانگین نمرات
جامعه، محیط زیست، محصول، روابط کارکنان	۲۳	X

مالکیت نهادی: برای اندازه‌گیری مالکیت نهادی از مجموع سهام در دست سرمایه‌گذاران نهادی تقسیم بر تعداد کل سهام شرکت استفاده شده است.

مالکیت بانکی: برابر است با مجموع درصد سهام در دست مؤسسات مالی و اعتباری و بانک‌ها تقسیم بر تعداد کل سهام شرکت

تمرکز مالکیت: برای اندازه‌گیری تمرکز مالکیت از مجموع درصد سهام در دست سهامداران عمده بالای ۵ درصد تقسیم بر تعداد کل سهام شرکت استفاده شده است.

مالکیت دولتی: برای اندازه‌گیری مالکیت دولتی از مجموع سهام در دست دولت و ارگان‌های دولتی تقسیم‌بر تعداد کل سهام شرکت استفاده شده است.

مدل پژوهش

$$CSR_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 INST_{i,t} + \beta_2 BANK_{i,t} + \beta_3 CONS_{i,t} + \beta_4 GOVER_{i,t} + \beta_5 SIZE_{i,t} + \beta_6 LEV_{i,t} + \mu_{i,t}$$

در مدل فوق CSR برابر با مسئولیت‌پذیری اجتماعی، INST برابر با مالکیت نهادی، BANK برابر با مالکیت بانکی، CONS برابر با تمرکز مالکیت، GOVER برابر با مالکیت دولتی، SIZE اندازه شرکت و LEV برابر با نسبت بدهی‌ها می‌باشد.

نتایج پژوهش

آمار توصیفی متغیرها

آمار توصیفی شامل میانگین، میانه، انحراف معیار، ماکزیمم و مینیمم کلیه متغیرهای پژوهش است. جدول ۶ آمار توصیفی کلیه متغیرها را نشان می‌دهد. CSR نشان‌دهنده مسئولیت‌های اجتماعی شرکتی است. مجموع معیارهای مسئولیت‌های اجتماعی شرکتی فوق نشان‌دهنده این است که شرکت‌ها مسئولیت اجتماعی دارند. است. نتایج جدول زیر نشان می‌دهد که بیش‌ترین مقدار مسئولیت‌های اجتماعی شرکتی برابر با ۰/۶۵ و کم‌ترین آن برابر با ۵ درصد و انحراف استاندارد آن برابر با ۲۱ درصد می‌باشد. CONS که نشان‌دهنده تمرکز مالکیت می‌باشد دارای مقدار میانگین ۶۴ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد که به طور میانگین ۶۴ درصد از سهام شرکت در دست سهامداران عمده می‌باشد. متغیر GOVERN که نشان‌دهنده میزان مالکیت دولت در ساختار مالکیت شرکت‌ها می‌باشد دارای میانگین ۲۱ درصد می‌باشد. همچنین میانگین سهم سهامداران نهادی در ساختار مالکیت شرکت‌ها که با متغیر INS نشان داده شده است برابر با ۴۸ درصد می‌باشد. همچنین نسبت بدهی‌ها در بین شرکت‌های نمونه برابر با ۶۷ درصد می‌باشد که نشان‌دهنده این امر است ۶۷ درصد از دارایی‌های شرکت‌ها از محل بدهی‌ها تأمین شده است.

جدول ۶: آمار توصیفی کلیه متغیرهای پژوهش

شرح	میانگین	میانه	بیش‌ترین	کم‌ترین	انحراف استاندارد
CSR	۰/۳۲	۰/۴۱	۰/۶۵	۰/۰۵	۰/۲۱
CONS	۰/۶۴	۰/۶۰	۱	۰	۰/۱۴
GOVERN	۰/۲۱	۰	۱	۰	۰/۱۵
INS	۰/۴۸	۰/۴۷	۱	۰	۰/۲۰
Bank	۰/۳۸	۰/۱۸	۱	۰	۰/۱۵
SIZE	۱۳/۸۱	۱۳/۷۳	۱۹/۹۱	۱۰/۰۳	۱/۰۱
LEV	۰/۶۷	۰/۶۲	۳/۰۶	۰/۰۴	۰/۲۵
تعداد مشاهدات	۸۵۵	۸۵۵	۸۵۵	۸۵۵	۸۵۵

نتایج آزمون F لیمر

جدول ۷ نشان‌دهنده نتیجه آزمون F لیمر می‌باشد. نتیجه این آزمون نشان می‌دهد که مقدار آماره F و سطح معناداری آن برای مدل پژوهش بیانگر این است که اثرات فردی و یا گروهی وجود دارد و باید از روش داده‌های اثرات ثابت برای برآورد مدل فوق استفاده شود.

جدول ۷: آزمون F لیمر

شرح	آماره	درجه آزادی	سطح معناداری	نتیجه
آزمون f لیمر	۳/۰۵	۹۴	۰/۰۰۰	داده‌های اثرات ثابت پذیرفته می‌شود.

نتایج آزمون هاسمن

جدول ۸ نشان‌دهنده نتیجه آزمون هاسمن می‌باشد. نتیجه این آزمون نشان می‌دهد که مقدار آماره F و سطح معناداری آن برای مدل پژوهش بیانگر این است که باید از مدل داده‌های اثرات ثابت استفاده شود.

جدول ۸: آزمون هاسمن

شرح	آماره	سطح معناداری	نتیجه
آزمون هاسمن	۲۵/۱۴	۰/۰۰۰۰	داده‌های اثرات ثابت پذیرفته می‌شود

نتایج آزمون فرضیه‌ها

نتایج مقدار شاخص عامل تورم واریانس نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل مدل باهم مشکل هم‌خطی ندارند. همچنین مقدار آماره دوربین واتسون $1/826$ حاکی از عدم وجود مشکل خودهمبستگی سریالی در اجزای اخلاص مدل برآورد شده است، لذا نتایج مدل برآورد شده کذب نیست و برای آزمون فرضیه می‌توان به آن اتکا نمود. معناداری آماره فیشر $11/439$ در سطح $0/000$ بیانگر معناداری کلی مدل پژوهش است. نتایج جدول ۹ حاکی از وجود رابطه مثبت معنی‌داری بین متغیر مالکیت نهادی با مسئولیت‌های اجتماعی شرکتی در سطح خطای ۵ درصد است. ضریب متغیر نیز نشان می‌دهد که این متغیر حدود ۴۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کند.

همچنین در بررسی و آزمون فرضیه دوم در جدول ۹ نتایج حاکی از وجود رابطه مثبت معنی‌داری بین متغیر مالکیت بانکی با مسئولیت‌های اجتماعی شرکتی در سطح خطای ۵ درصد است. ضریب متغیر نیز نشان می‌دهد که این متغیر حدود ۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کند.

در بررسی و آزمون فرضیه سوم در جدول ۹ نتایج حاکی از عدم وجود رابطه معنی‌داری بین متغیر تمرکز مالکیت با مسئولیت‌های اجتماعی شرکتی در سطح خطای ۵ درصد است. در بررسی و آزمون فرضیه چهارم در جدول ۹ نتایج حاکی از وجود رابطه مثبت معنی‌داری بین متغیر مالکیت دولتی با مسئولیت‌های اجتماعی شرکتی در سطح خطای ۵ درصد است. ضریب متغیر نیز نشان می‌دهد که این متغیر حدود ۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کند. در ضمن نتایج آزمون فرضیه پژوهش به صورت خلاصه در جدول ۱۰ ارائه شده است.

جدول ۹: خلاصه نتایج آماری آزمون مدل پژوهش

VIF	سطح معناداری	آزمون تی	ضریب	متغیر
-	۰/۰۶۰	۱/۸۸۷	۰/۳۲۲	عرض از مبدأ
۱/۰۰۵	*۰/۰۲۸	۲/۰۷۴	۰/۴۹۸	مالکیت نهادی
۱/۱۱۱	*۰/۰۰۰	۴/۳۳۵	۰/۰۴۹	مالکیت بانکی
۱/۰۳۵	۰/۷۰۶	-۰/۳۷۷	-۰/۱۶۸	تمرکز مالکیت
۲/۱۲۴	*۰/۰۰۰	۵/۰۳۶	۰/۰۶۹	مالکیت دولتی
۲/۰۲۱	*۰/۰۰۰	۳/۸۵۴	۰/۲۵۴	اندازه شرکت
۱/۰۲۱	*۰/۲۰۶	۱/۲۶۸	۰/۷۸۳	نسبت بدهی‌ها
۱/۸۲۶	آزمون دوربین واتسون		۱۱/۴۳۹ ۰/۰۰۰	آماره و سطح معناداری F
۰/۲۲۸	ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۲۵۱	ضریب تعیین

جدول ۱۰. خلاصه آزمون فرضیه پژوهش

نتیجه	فرضیه	
تأیید فرضیه	مالکیت نهادی رابطه مثبت معناداری با مسئولیت‌های اجتماعی شرکتی دارد.	فرضیه ۱
تأیید فرضیه	مالکیت بانکی رابطه مثبت معناداری با مسئولیت‌های اجتماعی شرکتی دارد.	فرضیه ۲
عدم تأیید	تمرکز مالکیت رابطه مثبت معناداری با مسئولیت‌های اجتماعی شرکتی دارد.	فرضیه ۳
تأیید فرضیه	مالکیت دولتی رابطه مثبت معناداری با مسئولیت‌های اجتماعی شرکتی دارد.	فرضیه ۴

نتیجه‌گیری

مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در بسیاری از محافل علمی، سیاسی و اقتصادی کشورهای پیشرفته و در حال توسعه به دغدغه مهمی در مدیریت، بازاریابی و سرمایه‌گذاری تبدیل شده است. ظهور مسئولیت اجتماعی، عمدتاً در پاسخگویی به تحولات و چالش‌هایی از قبیل جهانی‌سازی بوده است. کاناگریتم و همکاران (۲۰۰۷) معتقد هستند که سازوکارهای حاکمیت شرکتی مبتنی بر ساختار مالکیتی بر اطلاعات افشاشده توسط شرکت برای سهامداران آن اثر می‌گذارد و احتمال عدم افشای کامل و مطلوب اطلاعات و افشای اطلاعات کم اعتبار را کاهش می‌دهند. کارامونو و وافیس (۲۰۰۵) نشان دادند در صورت وجود نظارت مؤثر هیأت مدیره بر مدیریت، کیفیت و کفایت اطلاعات منتشر شده توسط مدیریت افزایش می‌یابد. هدف این پژوهش، گسترش ادبیات موجود در حیطه مسئولیت اجتماعی شرکتی از طریق کشف رابطه بین برخی از اجزای ساختار مالکیت با مسئولیت اجتماعی شرکتی در بازار سرمایه ایران می‌باشد.

نتایج پژوهش مبین رابطه معنادار مثبت بین مالکیت نهادی و مسئولیت اجتماعی شرکتی می‌باشد و این امر نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاران نهادی نسبت به افشای مسئولیت اجتماعی شرکتی بی‌تفاوت نیستند و از آن به عنوان یک منبع اطلاعاتی استفاده می‌کنند. رابطه مثبت نشان از آن دارد، آن دسته از سرمایه‌گذارانی که از انگیزه کافی برای نظارت بر مدیریت برخوردار نیستند، خواهان پذیرش سود فزاینده در مدت‌زمان کوتاه هستند و جذب شرکت‌هایی می‌شوند که سطح افشای مسئولیت اجتماعی شرکتی بیش‌تری داشته باشد؛ زیرا شرکت‌هایی که اطلاعات مربوط به مسئولیت اجتماعی را افشا می‌کنند نسبت به سایرین، تأکید بیش‌تری بر اثرات بلندمدت تصمیماتشان دارند. نتایج پژوهش با نتایج ون و دیگران (۲۰۱۱)، دام و اسپولتن (۲۰۱۲)، ملکیان و دیگران (۱۳۹۵) مطابقت داشته و با نتایج فازی و همکاران (۲۰۰۷)، پورعلی و همکاران (۱۳۹۳) مغایرت دارد.

نتایج آزمون فرضیه دوم نشان داد بین مالکیت بانکی و مسئولیت اجتماعی شرکتی رابطه معنادار وجود دارد. این نتیجه دلالت بر این موضوع دارد که بانک‌ها نسبت به افشای مسئولیت اجتماعی شرکتی علاقه‌مند هستند و از آن به عنوان یک منبع اطلاعاتی استفاده می‌کنند و معتقد هستند که این افشاها در بلندمدت تأثیر بهتری بر ارزش شرکت دارد و دیدگاه بلندمدت نسبت به تصمیمات خود دارند. این اطلاعات به بانک‌ها کمک می‌کند در نقش نظارتی خود به عنوان سهامدار از آن استفاده کنند و کنترل بهتری بر شرکت داشته باشند. در این رابطه پژوهش خارجی و داخلی انجام نشده است.

نتایج آزمون فرضیه سوم نشان داد بین تمرکز مالکیت و مسئولیت اجتماعی شرکتی رابطه معنادار وجود ندارد. تمرکز مالکیت عبارت است از چگونگی توزیع سهام بین سهامداران یک شرکت. هرچه تعداد سهامداران کم‌تر باشد، مالکیت متمرکزتر خواهد بود. در شرکت‌هایی که قوانین و مقررات حفظ حقوق سهامداران دارای ایراد و ضعف است، تمرکز مالکیت اغلب به عنوان راهکاری برای کنترل رفتار مدیران و تصمیمات اتخاذشده توسط آنان، ظهور کرده است. شرکت‌هایی که اکثریت سهام آنان در اختیار سهامداران عمده و بالأخص سهامداران کنترل‌کننده است، کم‌تر در معرض خطرات و مشکلات ناشی از مسئله نمایندگی هستند. زیرا نظر سهامداران کنترل‌کننده، در تمامی تصمیمات اتخاذشده در سطح هیأت مدیره، نظر غالب است. نتایج به‌دست‌آمده با نتایج هازیوان و طاها (۲۰۰۹) مطابقت و با نتایج نازلی و غزالی (۲۰۰۷)، دام و اسچولتن (۲۰۱۲) (۲۰۱۳) و بهار مقدم و همکاران (۱۳۹۲) مغایرت دارد.

نتایج فرضیه چهارم نشان داد که بین مالکیت دولتی و مسئولیت اجتماعی شرکتی رابطه معنادار مثبت وجود دارد. این یافته بیانگر این است که مداخلات دولتی سبب تشویق و فشار بر روی شرکت‌ها در جهت افزایش افشای داوطلبانه خواهد شد؛ چراکه دولت‌ها مورد اعتماد و پاسخگو به عموم مردم هستند. مالکان دولتی می‌توانند از حق اعمال قدرت خود سوءاستفاده نمایند، یا آن را در جهت حمایت از منافع سایر سهام‌داران به کار ببرند. در صورتی که دولت و مالکان دولتی حقوق تمامی سهامداران را به رسمیت بشناسند و ضمن رفتار عادلانه به آن‌ها اجازه دسترسی برابر به اطلاعات شرکت را بدهند، این رویکرد در جهت منافع دولت خواهد بود. دولت نباید تصویر مالکی خودسر، غیرقابل‌پیش‌بینی و غیر منصف را در ذهن سایر سهامداران ایجاد کند؛ اما از سوی دیگر دولت به عنوان سهامدار عمده در اغلب موارد می‌تواند در مجامع عمومی تصمیماتی بدون توافق سایر سهامداران اتخاذ و ترکیب اعضای هیأت مدیره را تعیین کند. اگرچه این موارد حق قانونی مالکیت است، اما ممکن است از آن سوءاستفاده شود. تأثیر ساختار سرمایه به نفع سهامداران کنترل‌کننده، معاملات با اشخاص وابسته، تصمیمات تجاری

جانبدارانه همگی نمونه‌هایی از سوءاستفاده از این حق هستند؛ اما در مقابل افشای مطلوب‌تر، وفاداری و صداقت اعضای هیأت مدیره در انجام وظایف و اتخاذ برخی تصمیمات به ویژه تصمیمات اساسی از راه اجماع و مشارکت دادن اقلیت نمونه‌هایی از اقداماتی است که دولت می‌تواند به منظور کسب شهرت و رفتار عادلانه با سهامداران انجام دهد. نتایج پژوهش با نتایج نازلی و غزالی (۲۰۰۷)، دام و اسچولتن (۲۰۱۲) و ملکیان و دیگران (۱۳۹۵) مطابقت داشته و با نتایج هازیوان و طاهها (۲۰۰۹) مغایرت دارد.

پیشنهاد‌های کاربردی

با توجه به نتایج پژوهش با در نظر گرفتن جایگاه مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها پیشنهاد می‌شود کمیته تدوین استانداردهای حسابداری، استاندارد را در این خصوص تدوین نماید که همه شرکت‌ها آن را به کار ببرند و در راستای بهبود نظارت و حصول اطمینان از اجرای صحیح قوانین و مقررات مربوط به مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها راهکارهای تقویت ضمانت اجرایی انتشار چنین گزارشاتی بررسی شود. همچنین به علت وجود معیارهای متفاوت جهت افشای مسئولیت اجتماعی به وسیله شرکت‌ها پیشنهاد می‌شود، به منظور ایجاد رویه‌های یکسان و افزایش قابلیت مقایسه در زمینه افشای مسئولیت‌های اجتماعی شرکتی، بورس اوراق بهادار تهران سیاست‌های لازم را تدوین و به شرکت‌ها ابلاغ نماید.

پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی

- ۱- پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی به بررسی رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها با مالکیت مدیریتی، اندازه هیأت مدیره و کمیته حسابرسی پرداخته شود.
- ۲- در این پژوهش از متغیر کنترلی اندازه شرکت و نسبت بدهی استفاده شده است، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی از متغیرهای دیگری مانند ریسک شرکت، سود شرکت و ... استفاده گردد.
- ۳- به بررسی رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها با ریسک سقوط قیمت سهام و محافظه‌کاری پرداخته شود.
- ۴- پیشنهاد می‌گردد به بررسی رابطه بین مسئولیت‌های اجتماعی شرکتی و بازده عادی و غیرعادی سهام پرداخته شود.
- ۵- عوامل مؤثر بر پذیرش مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها مورد بررسی و با استفاده از آزمون‌های پیشرو- پس‌رو عوامل فوق به ترتیب اهمیت اولویت‌بندی شوند.

منابع

- بهارمقدم، م.، صادقی، ف. و صفرزاد، س. (۱۳۹۲). ”بررسی رابطه مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها“. فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی، ۵ (۲۰)، ۹۰-۱۰۷.
- پورعلی، م. و حجامی، م. (۱۳۹۳). ”بررسی رابطه بین افشای مسئولیت اجتماعی و مالکیت نهادی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران“. فصلنامه علمی و پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۳ (۱۰)، ۱۳۵-۱۵۰.
- جلیلی، ص. و قیصری، ف. (۱۳۹۳). ”بررسی ارتباط بین کیفیت سود و مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران“. فصلنامه دانش حسابرسی، ۱۴ (۵۷)، ۱۴۷-۱۷۰.
- حساس‌یگانه، ی. (۱۳۸۵). ”حاکمیت شرکتی در ایران“. فصلنامه حسابرس، ۸ (۳۲)، ۳۲-۳۹.
- حساس‌یگانه، ی. و برزگر، ق. (۱۳۹۲). ”ارائه مؤلفه‌ها و شاخص‌های بعد اجتماعی مسئولیت شرکت‌ها و وضعیت موجود آن در ایران“. فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی فرهنگی، ۲ (۱)، ۲۰۹-۲۳۴.
- حساس‌یگانه، ی. و برزگر، ق. (۱۳۹۳). ”مبانی نظری مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و پارادایم تحقیقاتی آن در حرفه حسابداری“. فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، ۷ (۲۲)، ۱۰۹-۱۳۳.
- حساس‌یگانه، ی. و برزگر، ق. (۱۳۹۴). ”مدلی برای افشا مسئولیت‌پذیری اجتماعی و پایداری شرکت‌ها و وضعیت موجود آن در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران“. فصلنامه بورس اوراق بهادار، ۸ (۲۹)، ۹۱-۱۱۰.
- حسن‌زاده، ع. و عزیززاده، ح. (۱۳۹۰). ”حاکمیت شرکتی در بانک‌ها“. فصلنامه تازه‌های اقتصاد، ۹ (۱۳۳)، ۷۴-۸۶.
- مجتهدزاده، و. و طبقیان، ف. (۱۳۹۰). ”نقش مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در کاهش فقر“. فصلنامه بورس اوراق بهادار، ۴ (۱۴)، ۲۲۱-۲۳۶.
- محمدی، ش.، قالیباف‌اصل، ح. و مشکئی، م. (۱۳۸۸). ”بررسی اثر ساختار مالکیت (تمرکز و ترکیب) بر بازدهی و ارزش شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران“. پژوهشات مالی، ۱۱ (۲۸)، ۶۹-۸۸.
- ملکیان، ا.، سلمانی، ر. و شهسوار، م. (۱۳۹۵). ”مطالعه رابطه بین مالکیت دولتی و نهادی با مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها (شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران)“. فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه‌گذاری، ۱۷ (۱۷)، ۵۵-۷۴.

- Chau, G.K. and Gray, S.J. (2002). "Ownership Structure and Corporate Voluntary Disclosure in Hong Kong and Singapore". *The International Journal of Accounting*, 37 (2): 247- 265.
- Coffey, B. and Fryxell, G. (1991). "Institutional Ownership of Stock and Dimensions of Corporate Social Performance: An empirical examination". *Journal of Business Ethics*, 10 (6): 437-444.
- Dam, L. and Scholtens, B. (2012). "Does Ownership Type Matter for Corporate Social responsibility?" *Corporate Governance: An International Review*, 20 (3): 233-252.
- Dey, A. (2008). "Corporate Governance and Agency Conflicts". *Journal of Accounting Research*, 46 (5):1143-1181.
- Ding, Y., Zhang, H. and Zhang, J. (2007). "Private vs State Ownership in Earnings Management: Evidence from Chinese Listed Companies". *Corporate Governance: An International Review*, 15 (2): 223-238.
- Esa, E. and Zahari, A.R. (2016). "Corporate Social Responsibility: Ownership Structure, Board Characteristics & the Mediating Role of Board Compensation". *Procedia Economics and Finance*, 35(1): 35-43.
- Fauzi, H., Mohoney, L. and Azhar, A.R. (2007). "Institutional Ownership and Corporate Social Performance: Empirical Evidence from Indonesian Companies". *Social and Environmental Accounting*, 1 (2):149-159.
- Harris, R.G. and Wiens, E.G. (1980). "Government Enterprise: An Instrument for the Internal Regulation of Industry". *Canadian Journal of Economics*, 13 (1): 125-131.
- Haziwan, M. and Taha, M. (2009). "The relationship between corporate social responsibility disclosure and corporate governance characteristics in Malaysian public listed companies". Working Paper. [http:// www.ssrn.com](http://www.ssrn.com).
- Hong, Y., Margaret, L. and Andersen, M.L. (2011). "The Relationship Between Corporate Social Responsibility and Earnings Management: An Exploratory Study". *J Bus Ethics*, DOI 10.1007/s10551-011-0921-y.
- Hoje, J., Moon, H.S. and Tsang, A. (2016). "Corporate Social Responsibility and Stakeholder Governance around the World". *Global Finance Journal*, 29 (C): 42-69.
- Jensen, M.C. and Meckling, W.H. (1976). "Theory of the Firm: Managerial Behavior, Agency Costs, and Ownership Structure". *Journal of Financial Economics*, 3 (4): 305-360.
- Kanagaretnam, K., Lobo, G.J. and Whalen, D.J. (2007). "Does Good Corporate Governance Reduce Information Asymmetry Around Quarterly

Earnings Announcements?" *Journal of Accounting and Public Policy*, 26 (4): 497-522.

Karamanou, I. and Vafeas, N. (2005). "The Association between Corporate Boards, Audit Committees, and Management Earnings Forecasts: An Empirical Analysis". *Journal of Accounting Research*, 43 (3): 453-486.

Kim, Y., Park, M.S. and Wier, B. (2012). "Is Earnings Quality Associated with Corporate Social Responsibility". *The Accounting Review*, 87 (3): 761-796.

Mohd Ghazali, N.A. and Wheetman, P. (2006). "Perpetuating Traditional Influences: Voluntary Disclosure in Malaysia Following the Economic Crisis". *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 15 (2): 226-248.

Nazli, A. and Ghazali, M. (2007). "Ownership Structure and Corporate Social Responsibility Disclosure: some Malaysian Evidence". *Corporate Governance*, 7 (3): 251-266.

OECD (2010). "Taxation, Innovation and the Environment". Paris: OECD.

Parkinson, J.E. (1995). *Corporate Power and Responsibility: Issues in the Theory of Company Law* Oxford: Oxford University Press.

Petersen, H.L. and Vredenburg, H. (2009). "Morals or Economics? Institutional Investor Preferences for Corporate Social Responsibility". *Journal of Business Ethics*, 90 (1): 1-14.

Petrovits, C.M. (2006). "Corporate-sponsored Foundations and Earnings Management". *Journal of Accounting & Economics*, 41: 335-362.

Prior, D., Surroca, J. & Tribo, J. (2008). "Are Socially Responsible Managers Really Ethical? Exploring the Relationship between Earnings Management and Corporate Social Responsibility". *Corporate Governance* 16 (3): 160-177.

Sadia, M., Tariq, A. & Saleem, S. (2015). "The Effect of Corporate Governance Elements on Corporate Social Responsibility (CSR) Disclosure: An Empirical Evidence from Listed Companies at KSE Pakistan". *International Journal of Financial Studies*.

Saleh, M., Zulkifli, N. and Muhamad, R. (2010). "Corporate Social Responsibility Disclosure and its Relation on Institutional Ownership: Evidence from Public Listed Companies in Malaysia". *Managerial Auditing Journal*, 25 (6): 591-613.

- Shen, W. and Lin, C. (2009). "Firm Profitability, State Ownership, and Top Management Turnover at the Listed Firms in China: A behavioral Perspective". *Corporate Governance: An International Review*, 17 (4): 443-456.
- Teoh, H. and Shiu, G. (1990). "Attitudes towards Corporate Social Responsibility and Perceived Importance Social Responsibility Information Characteristics in a Decision Context". *Journal of Business Ethics*, 9 (1): 71-77.
- Wahba, H. (2010). "How do Institutional Shareholders Manipulate Corporate Environmental Strategy to Protect their Equity Value? A Study of the Adoption of ISO 14001 by Egyptian Firms". *Business Strategy and the Environment*, 19 (8): 495-511.
- Wahba, H. and Elsayed, K. (2015). "The Mediating Effect of Financial Performance on the Relationship between Social Responsibility and Ownership Structure". *Future Business Journal*, 1 (1): 1-12.
- Watson, L. (2014). "Corporate Social Responsibility, Tax Avoidance, and Earnings Performance". *Journal of the American Taxation Association*, www.ssrn.com.
- Won. Y.O., Young, K.C.H. and Aleksey, M. (2011). "The Effect of Ownership Structure on Corporate Social Responsibility: Empirical Evidence from Korea". *Journal of Business Ethics*, 104 (2): 283-297.